

واکنش هنرمندان به تجاوز دشمن ادامه دارد

جنگ‌افروزان‌ها که در مقابل هنر قد علم می‌کنند

حمله دوباره، کشتاری دوباره، و واکنش‌هایی که دیگر رنگ و بوی تازه به خود گرفته‌اند. از ایرانی که همه یک صدا شده و وطن را صدا می‌زند تا ارسال نامه‌ای به جشنواره‌های جهانی که آنان را به پویش حمایت از عدل و آزادی و محکومیت رژیم جنایتکار و کودک‌کش صهیونیستی دعوت می‌کند.

فارابی خواستار محکومیت جنایات صهیونیست‌ها توسط رویدادهای بین‌المللی شد

و کودکان آوار کردند. وظیفه اخلاقی ما محکوم کردن متجاوز و توجیه‌کنندگان آنها است، وظیفه‌ای سازگار با روح و جوهر هنر اصیل و حقیقی که شعارش صلح و آرامش است. رژیم متجاوز و غاصب اهداف و آرمان هنر، یعنی فهم متقابل، را زیر پا لگدمال می‌کند؛ ما تمام قد در مقابل چنین رژیم رذلی می‌ایستیم و توقع داریم دوست‌داران هنر اصیل نیز اعمال شنیع وی را محکوم کنند. این اقدام از سوی شما پیوند ناگسستنی میان آزادگان جهان و اهالی هنر ناب را تقویت کرده و به ما یادآوری می‌کند که برای چه آرمان‌هایی در مسیر هنر گام برمی‌داریم: آزادی، برابری، برادری.»

پیام مذکور از طریق معاونت امور بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی در روزهای گذشته به روسا و دبیران جشنواره‌های بین‌المللی معتبر سینمایی و همچنین رخدادهای مختلف سینمایی و فرهنگی ارسال شده است.

حامد جعفری مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی با محکومیت جنایات ناجوانمردانه و وحشیانه رژیم غاصب صهیونیستی و در راستای اعتلای جایگاه فرهنگ و هنر در این کارزار، پیامی را به جشنواره‌های بین‌المللی فیلم و رویدادهای فرهنگی در سراسر جهان ارسال کرد و آنها را به پویش حمایت از عدل و آزادی و محکومیت رژیم جنایتکار و کودک‌کش صهیونیستی دعوت کرد. متن پیام مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی به این شرح است:

«دوست عزیز سلام

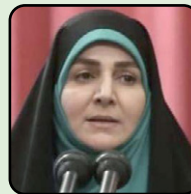
جنگ‌افروزان همیشه در مقابل هنر، زیبایی و رویدادهای هنری که مهم‌ترین زبان بیان زندگی هستند، قد علم می‌کنند. رژیم سفاک و غاصب صهیونی که بدنام به نسل کشی در غزه است این بار به یکی از کهن‌ترین و تاریخی‌ترین کشورهای جهان یعنی ایران حمله کرده است. آنها نه تنها دانشمندان و فرماندهان را به شهادت رسانده‌اند، بلکه مدارس و بیمارستان‌ها را بر سر زنان

ندا ملکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مجری تلویزیون:

اینجا ایران است، با مردمانی از جنس حماسه

ماؤا گرفته‌اند. اینجا ایران است، سرزمین مادری من و مادر... این کهن‌بوم و برجان من و عزیزترین است برای من و جان و جیزه ای ناچیز است برای نگاهبانی و پاسداشت او. خاک این کشور گوهر خیز و دلاورپرور است و چه بسیار جان‌های ارجمند که از همین خاک به بلوغ یقین رسیده و با حقیقت توحید پیوند خورده‌اند. آزادگانی که یاران صادق حسین علیه‌السلام بودند و مسافر کشتی نجات او. اکنون نیز قلب ایران غیور به حضور ایثارگرانه و مجاهدانه فرزندانش گرم است که به وفا و جوانمردی شهره‌اند و برای بالندگی او، پیمان‌های ناگسسته بسته‌اند. همان‌ها که بر تن مظلومیت، لباس عزت می‌پوشانند و عقبی را بر دنیا مرجع می‌شمارند. سلام بر ایران عزیز ما. سلام بر مردمان او که پناهگاه حقیقت و فریاد رسا و بلند او شده‌اند و سلام بر ایرانی‌ترین مرد، رهبر آزاده و ولی امر مسلمانان جهان که با سرانگشت عرفان و اخلاص و خرد و تدبیر، دل‌های حقیقت‌طلبان عالم را تکان داد و دعوت کننده به سوی معنا و رستگاری شد که معنا همان بقا و بها و تهی شدن از آن فنا و باطل است. سلام بر ایران...

ندا ملکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مجری تلویزیون در یادداشتی که در اختیار روزنامه صبا قرار داده به حمله رژیم صهیونیستی به ایران واکنش نشان داد و نوشت: اینجا، ایران است، با مردمانی از جنس پایمردی و مقاومت، با مردمانی از جنس حماسه، حماسه‌های سترگ، که حماسه دم و بازدم تاریخ است.



ندا ملکی در این یادداشت آورده است:

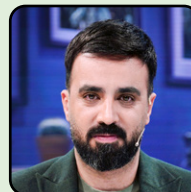
اینجا، ایران است، با مردمانی از جنس پایمردی و مقاومت، با مردمانی از جنس حماسه، حماسه‌های سترگ، که حماسه دم و بازدم تاریخ است. تاریخ بی‌حماسه می‌میرد، نفس نمی‌کشد و نمی‌ماند. که حماسه شرحی است از مردمانی که در راه رسیدن به بزرگی و سربلندی ملت و میهنشان سر از پای نمی‌شناسند. اینجا ایران است، دیار ادب، مهر و لطافت. اینجا ایران است مهد پاکدلمان و جوانمردان، با زنانی رشید و مردانی نستوه که با دو بال شور و شعور، در قابی از حقیقت طلبی

میثم کریمی، مجری و برنامه‌ساز:

خاطره دسته‌جمعی مرگ دشمن

هرگز ایران را اینطور دوست نداشته‌ام... انگار با زخم‌هایش زیباتر است بارنج‌هایش خواستنی‌تر است آدم باید پای وطنش، تن بدهد... چه کسی می‌خواهد «ما» نباشیم، هموطن هستیم و اقلیم‌مان ایران است. چه کسی می‌خواهد خانه نباشد؟ همسایه نباشد؟ خانه‌اش ویران باد دشمن‌مان به احتضار رسیده است. دارد جان می‌دهد و این شیرین‌ترین خاطره دسته‌جمعی‌مان بعد از این روزهای تلخ خواهد بود که با هم یادش می‌کنیم.

میثم کریمی مجری و برنامه‌ساز در یادداشتی که در اختیار روزنامه صبا قرار داده درباره جنگ ددم‌شانه اسرائیل علیه ایران نوشته است: خراب باد خانه‌اش؛ آن که گزافه ادعا می‌کرد و خیال‌واهی داشت ویرانی وطن را پیش چشمانمان به تصویر بکشد... وطن مامن است... وطن مادر است... همسر است و فرزند و خانواده ست... پای وطن که وسط باشد هیچ چیز گام‌هایمان را سست نخواهد کرد. ایستاده‌ایم تا پای جان...



مهدی شیخ‌عیسی، بازیگر سوری - لبنانی:

خوشا به حال ایران که چنین مردمانی دارد

نباید به خودمان و قدرتی که داریم، شک نداشته باشیم. این بازیگر سوری - لبنانی گفت: خداوند را شکر می‌کنم که آن روز فرا رسید و دل همه مظلومان عالم خنک شد. امروز تحقق وعده الهی را با چشمانمان شاهدیم. شیخ‌عیسی اظهار داشت: خداوند فرموده که «یا ایها الذین آمنوا، ان تصروا الله بنصرکم» و امروز معنای این آیه قرآنی را قشنگ فهمیدم. بازیگر فیلم ناربا ادامه داد: اگر کسی می‌خواهد با آبرو زندگی کند و قدرت و شجاعت را یاد بگیرد، باید مردم ایران را ببیند. این بازیگر سوری - لبنانی گفت: خوشحالم که در این روزها در ایران سرفیلمداری هستم و با چشمان خودم شاهد این همه شجاعت و غرور را در میان مردمان ایران. شیخ‌عیسی افزود: جان ناقابل دارم فدای ایران و مردم ایران می‌کنم. با وجود این که ایرانی نیستم اما قلبم به عشق ایران می‌تپد.

بازیگر سوری - لبنانی در ستایش از شجاعت مردم ایران در مقابل تهاجم رژیم صهیونی گفت: وقتی انسان این‌ها را می‌بیند، ایمانش به خدا بیشتر می‌شود. مهدی شیخ‌عیسی اظهار داشت: در این روزها جقدر به خودم گفتم و بالیدم که خوش به حال ایران، چنین مردمانی دارد؛ آن قدر قدرتمند، آن قدر شجاع و با عزت، کرامت و آنقدر غیور.



بازیگر فیلم قلب رقه افزود: وقتی آدم این همه قدرت از ایران را می‌بیند با تولید ملی، باز هم تاکید می‌کنم که بعد این همه تحریم‌های ظالمانه، هنوز هم شجاعتمندانه ایستاده و با دیدن این‌ها، آدم ایمانش به خدا بیشتر و مطمئن می‌شود که هیچ وقت

سرمقاله

صمیمیت در «شرایط خاص» حرف اول را می‌زند



امیرافشار فتوحی
دبیر تحریریه روزنامه صبا

در سال‌های دشوار دفاع مقدس، برنامه‌سازی در رسانه ملی نه بر پایه امکانات فنی گسترده یا چهره‌سازی‌های پر زرق و برق، بلکه بر مبنای اصالت، صداقت، و رسالت فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گرفت. برنامه‌ها ساده بودند اما سرشار از معنا؛ بدون نمایش‌های فرمالیستی، اما با محتوایی عمیق و مردمی. استاندارد برنامه‌سازی در آن دوران نه در دکورهای پر هزینه، بلکه در عمق ارتباط با مخاطب و اثرگذاری اجتماعی تعریف می‌شد.

به نظر می‌آید رسانه ملی و سکوه‌های شبکه خانگی در این بزنگاه نیز باید با الگوبرداری از دوران تجربه شده گذشته و البته با زبان امروز که نسل «زد» مخاطبان اصلی آنها هستند اقدام به تولید برنامه‌هایی کنند که در کنار روایت سلحشوری و تهییج، با ایجاد سرگرمی و نشاط موجبات آرامش جامعه را فراهم آورند. البته در این روزهای بمب و آتش و دود در کنار اخبار سریع و صادقاته که مرجعیت را به رسانه ملی بازگردانده برنامه‌هایی در خور را شاهدیم و در این میان سکوه‌های نمایش خانگی نیز بیکار ننشسته و در این راه قدم‌های موثری برداشته‌اند. یکی از این برنامه‌ها که از شبکه خانگی فیلمی در حال پخش روزانه است، برنامه‌ای به نام «شرایط خاص» است که با اجرای رضا رشیدپور، مجری پیشکسوت رسانه ملی نمونه‌ای کم‌نظیر از بازگشت به همان الگوهای اصیل است. این برنامه با تکیه بر سادگی، گفت‌وگو و صداقت در روایت، نه تنها به استانداردهای برنامه‌سازی دوران جنگ نزدیک است، بلکه در قالبی امروزی، ارزش‌های ارتباطی آن دوره را بازآفرینی کرده است.

برنامه «شرایط خاص»، یک ایده مینی‌مال و دوستانه برای رصد اخبار و بازتاب آن میان مردم در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی در شرایط جنگی کشور است. این برنامه شباهت هر چند ساختار بزرگ و سنگین یک رتالیته‌ی شوراندار اما تلاش می‌کند با در دسترس‌ترین ابزار موجود مسیری دلگرم‌کننده برای مرور و پالایش، صحت‌سنجی و تحلیل کوتاه اخبار در یک فضای دورهمی ملی ایجاد کند.

شیوه‌ای که «شرایط خاص» در پیش گرفته، بی‌شابهت به سبک برنامه‌سازی در دوران دفاع مقدس نیست؛ روزهایی که تلویزیون با کمترین امکانات اما با بیشترین میزان خلوص، تعهد و صداقت، توانست پیام‌های بزرگی را به مخاطب منتقل کند. در آن دوران، بسیاری از برنامه‌ها نه با زرق و برق، بلکه با تکیه بر حقیقت، صمیمیت و رسالت اجتماعی خود در دل مخاطبان جا باز کردند. امروز نیز «شرایط خاص» با الهام از همان رویکرد، بدون شعارزدگی یا اغراق، مخاطب را با واقعیت‌های انسانی و اجتماعی در شرایط جنگی درگیر می‌کند. این برنامه، نشان می‌دهد که هنوز می‌توان با نگاهی انسانی، بدون کلیشه‌های رایج، محتوا تولید کرد؛ محتوایی که نه تنها سرگرم‌کننده است، بلکه تأثیرگذار و ماندگار نیز هست. حضور رضا رشیدپور با تجربه رسانه‌ای گسترده‌اش، به این برنامه عمق بیشتری داده است. او توانسته با حفظ صمیمیت، احترام و آگاهی، فضای امنی برای گفت‌وگوی مستقیم با مردم خلق کند.

نکته قابل توجه در «شرایط خاص» این است که نه تکیه بر چهره‌های خاص دارد، نه نیازمند برجسته‌سازی‌های غیرضروری است. قدرت برنامه در محتوا و اجرای هوشمندانه آن نهفته است. در حقیقت، این برنامه بار دیگر ثابت می‌کند که اگر رسانه ملی بخواهد، هنوز هم می‌تواند با اتکا به نیروهای متخصص، تفکر خلاق و شناخت در ست از نیاز مخاطب، برنامه‌هایی تولید کند که هم تأثیرگذار باشند و هم اعتمادسازی کنند. برنامه‌هایی از این دست، نه تنها می‌توانند خاطرات دوران طلایی رسانه ملی را زنده کنند، بلکه امید را به آینده برنامه‌سازی نیز باز می‌گردانند؛ آینده‌ای که در آن اصالت و اندیشه بر جلوه‌گری و سطحی‌نگری غلبه دارد. رضا رشیدپور با تکیه بر تجربه و شناختی که از رسانه و مخاطب دارد، فضای برنامه را به بستری برای شنیدن و دیدن واقعیات در شرایط خاص تبدیل کرده است؛ جایی که هم‌دلانه روایت می‌شود، نه قضاوت‌گرانه یا نمایشی. این سبک اجرا که هم از نظر فنی و هم از نظر محتوایی، متعهد به اصولی حرفه‌ای و انسانی است، دقیقاً در همان مسیر استانداردهای برنامه‌سازی دوران جنگ قرار می‌گیرد؛ برنامه‌هایی که وظیفه‌شان نه فقط سرگرمی، بلکه تقویت همبستگی، آگاهی و امید در جامعه بود. بنابراین، می‌توان گفت «شرایط خاص» نه تنها با معیارهای برنامه‌سازی امروز همخوان است، بلکه با بازآفرینی مدل‌های موفق گذشته، الگویی به روز شده از تولید رسانه‌ای مسئولانه و تأثیرگذار را ارائه می‌دهد؛ الگویی که رسانه ملی اگر بخواهد، هنوز هم می‌تواند به آن تکیه کند و اعتماد مخاطبانش را بازابد.